

خیال؟ مسرور است یا غضبناک؟ عاجز شده یا چالاک عنقریب خواهیم دانست!!!

فصل سی ام - ابو حامد

پش از رفتن لمیا ابو حامد از خیمه حمدون بیرون آمده از تعویق امر خود بسی دل‌تنگ و همی تدبیر مینمود و حیل می اندیشید تا مگر بر روزگار غلبه کند... متفکرانه بخیمه خود درون شده و چون خویشرا تنها دید ناله اسفناکی برکشیده مانند شیر غرمان و یلنک زخم دیده همی غرید،،، بغلام و حاجب خود امر داد تا کسیرا نزد وی بار نهد آنگاه سرخویش بزیر افکنده و بتردد پرداخت و تدبیری میخواست تا بدان وسیله بآرزوی خود برسد و غرض خویش در یافته و نقطه توجه آمال خود را بدست کند

نامتام

عرب در ایران

آزره آورد های سفر ما بهمدان یکی کتاب (عرب در ایران) است بقلم ادیب دانشمند میرزا محمد علی خلیلی مدیر مدرسه تهذیب همدان.

میرزا محمد علی خلیلی از خانواده فاضل دانشمند آقای خلیلی مدیر روز نامه اقدام است و نژاد پاک ایران و چون در بین النهرین بوده و با اسلوب زبان فارسی نیاکن خود از طفولیت آشنا نبوده ممکن است سبک نگارش و عبارات او چنانچه باید و شاید دلنشین ادبا و فارسی پرستان نباشد ولی از بکنفر ایرانی که در عرب روزگار گذرانیده و تازه با زبان مادری خود آشنا شده و قلم تالیف و تحریر برداشته و هنگام نگارش هم نظر بمسائل تاریخی داشته نه بمباحث الفاظ و عبارات بسیار کمتر از این باید انتظار داشت و در حقیقت قریحه و ذوق خلیلی و عشق وطن است که در مدت بسیار کم او را بشگارش فارسی آینه‌مایه سهل و روان توانا ساخته است

باری نظر ما و تمام خوانندگان بنکات تاریخی معطوف است و تتبع و تحقیقات فاضل نگارنده را در تاریخ ایران قدر شناخته مؤلف دانشمند ایرانی نژاد را تهنیت میگوئیم .

نخست دو تقریظ که از طرف دو استاد ادیب فاضل همدانی (نثری) رئیس معارف کرمانشاه و (آزاد) مدیر مدرسه نصرت همدان بر این کتاب نگاشته شده به

وحید

نظر خوانندگان میرسانیم

تقریظ

جلد اول کتاب (اعراب در ایران) که بقلم آقای آقا میرزا محمد علی خلیلی مدیر مدرسه دولتی تهذیب همدان نوشته شده در اثر تتبع و کجکاوی مؤلف محترم مندرجات آن کاملاً بحقیقت نزدیک است و هر کس که در علل و عوامل وقایع تاریخی دقیق شده و آثار فتوحات عرب را در ایران جستجو نماید تقریباً بهمان نتیجه خواهد رسید که مؤلف کتاب از تحقیقات خود نتیجه گرفته است

این کتاب با عباراتی شیرین و بیانی ساده و روشن انشا شده و خواننده علاوه بر اینکه مطالب آن را بدون فکر و تأمل میفهمد از خواندن آن خسته نشده و باکمال میل مطالعه کتاب را ادامه میدهد اگر چه بطوریکه مندرجات این کتاب شهادت میدهد نویسنده آن خالی از تعصب نبوده است ولی باز از صفحات آن بخوبی میتوان استنباط کرد که در دماغ مؤلف احساسات دینی و وطنی هر دو بطور تساوی حکومت داشته و چون در موضوع بحث این کتاب این دو عامل در طرفین قضیه قرار گرفته‌اند لذا اثر یکدیگر را خنثی نموده در نتیجه مندرجات آن را کاملاً بحقیقت نزدیک ساخته‌اند مطالعه این کتاب بجهت پی بردن بیک سلسله از حقایق تاریخی مملکت ما برای افراد هموطنان مفید بوده و آقای خلیلی در تألیف این کتاب توانسته اند خدمت قابل تقدیری بتاریخ مملکت خود بکنند

موقفیت ایشان را در تالیف جلد دوم این کتاب و کتب امثال او برای خدمت بوطن از خدای تعالی خواهان است

موسی نثری همدانی

بسمه تعالی

این کتاب که بنامه شیوای آقای آقا میرزا محمد علیخان خلیلی مدیر محترم مدرسه دولتی تهذیب همدان نوشته شده نتیجهٔ تتبع و کنجکاوای مخصوصی است که مع التأسف در مملکت ما خیلی نادر و کمیاب است امروز که نوشتجات ما اغلب سطحی و غیر محققانه است وجود امثال این کتاب را که مؤلف محترم آن با تتبع و کنجکاوای مخصوص تالیف نموده است باید مغتنم شمرده و تقدیر نمود.

این کتاب با سلاست و روانی عبارات و فصاحت الفاظ و انشائی جالب و مرغوب تالیف شده که خواننده از خواندن آن خسته و ملول نشده و با رغبت و میل مطالعه آنرا بپایان میرساند.

اگرچه کاملاً نمیتوان تصدیق کرد که مؤلف محترم این کتاب همانطوری که برای یکنفر موضح حقیقی لازم است کاملاً بیطرف بوده و احساسات وطنی و ملی در دماغش حکومت نداشته است ولی در عین حال برای بیداری ایرانیان و تنبه ایشان به بسیاری از نکات مفید مهم تاریخی و اخلاقی این کتاب بهترین درس و مفیدترین کنفرانسی است که از طرف یکنفر فاضل متبعی القا شود

از مؤلف محترم این کتاب تمنا میکنم که اینخدمت تاریخی و ادبی خود را ادامه داده و بتالیف جلد دوم و سوم بیش از این بمعارف مملکت ما خدمت کرده و در بسط و توسعه معارف بوسیلهٔ امثال این تالیفات مفید بکوشند

همدان ۱۴ اسفند ۱۳۰۶ (ع آزاد همدان)



دیباچه

بعضی حوادث تاریخی چنان نظر و دقت خواننده را جلب میکنند که شخص مجبور میشود در آنجا مکث نماید حوادث و وقایع تاریخی زیاد است ولی بعضی از شدت اهمیت باندازهٔ جالب نظر دقت علماء و متبحرین شده که در همانجا بمقابل خاتمه داده و ما بعد آنرا دورهٔ دیگری فرض کرده اند و بهمین علت است که علماء تاریخ از منتهٔ تاریخی را بچند دوره نموده و هر دوره را بواسطه یکی از حوادث فوق العاده و بزرگ مبداء قرن دیگری قرار داده اند مهمترین این وقایع عبارتند از ظهور کتابت و سقوط روم غربی و روم شرقی و انقلاب کبیر فرانسه

ولی مخفی نماند که این از منتهٔ تاریخی را علماء غرب از روی حوادث و وقایع تاریخی خود عبداً و منتهای از منته تاریخی معین نموده اند و ما شرقیان به تبعیت و تقلد تاریخ خود را از روی تقسیمات زمانی اروپائیان ترتیب داده ایم در صورتیکه ما هم وقایع تاریخی بسیار مهمی را دارا هستیم که اگر در اهمیت از وقایع تاریخی غرب بیشتر نباشد کمتر نیست مثل انقراض حکومت ایران بدست اسکندر مقدونی تاسیس سلسله ساسانی . ظهور اسلام . انقراض سلسله ساسانی . تاسیس سلسله صفوی . که با هر کدام میتوان بدوره پیش خاتمه داده دوره دیگر را آغاز کرد

مورخین اروپائی با سقوط رومیه غربی (۳۹۵ م) تاریخ قدیم خود را ختم نموده و از آن بعد تا فتح قسطنطنیه و سقوط رومیه شرقی را قرون وسطی مینامند زیرا اوضاع اروپا بالخصوص اروپای غربی و جنوبی و مرکزی در این دوره تغییرات کلی نموده است از قبیل انقسام و انفصال قطعی ممالک روسیه و انتقال تمدن از ایتالیا به بالکان و تسلط وحشیان اطراف سقوط رن و دانوب بر اروپای مرکزی و جنوبی و اغتشاش و هرج و مرج در سراسر اروپا بنا براین اروپائیان هزار سال فاصله میان سقوط روم غربی و شرقی را که دوره انحطاط و تنزل و بربریت و تسلط اقوام وحشی

است بر آن قطعه و بکلی با دروه قبل و بعد متمایز است قرون وسطی نامیده از دوره های تاریخی دیگر مجزا نموده اند.

پس اگر از این لحاظ ما ایرانیان بخوایم همان تاریخ سقوط رومیه غربی را مبدأ تاریخ قرار دهیم ابدأ موافقت نخواهد کرد زیرا که در آن موقع که دولت رم رو به تجزیه و انحلال میرفت و رومیه غربی بدست وحشیان مهاجم سقوط میکرد دولت عظیم الشان ساسانی در انتها درجه عظمت و اقتدار خود بوده و مملکت ایران بدوره مجد و ترقی و سعادت خود رسیده عصر طلائی ایرانیان را تشکیل میداد و میتوان این عصر را تا سال (۶۳۶ م) که دوره استیلای عرب شروع میشود دوره ترقی سیاسی ادبی و علمی - ایرانیان بلکه شرق دانست زیرا همانطور که مدار تاریخ غرب تقریباً بر یونان و روم است که هر یک بعد از دیگری دو مملکت و دو دولت مقتدر و متمدن غرب بوده اند همان حال را ایران در شرق داشته و تا ظهور اسلام تنها دولتی بوده که سیاست شرق دایره مدار او بوده پس میتوان تا اندازه تاریخ ایران را در تاریخ شرق دخیل دانست - ظهور اسلام و استیلای آن را هم با آن علل و اسبابیکه اروپائیان برای قرون وسطی ذکر میکنند نمیتوان تطبیق کرد چه بعد از ظهور اسلام در اندک مدتی مملکت و سلطنت عظیم و قهار اسلامی بوجود آمده و دوره ترقی و تمدن درخشان اسلامی شروع شد پس از هر جهت میتوان قرون وسطای اروپا را دوره ترقی و تمدن و اقتدار شرق دانست

با وجود این فاصله میان دوره تمدن و ترقی مملکت باستانی ایران و تکوین تمدن اسلامی يك واقعه مهم تاریخی وجود دارد که مجرای تاریخ را بکلی تغییر داده و حالت قبل و بعد این واقعه را طبعاً به دو دوره متمایز تقسیم ساخته بنا بر این با کمال خوبی میتوان زمان وقوع آن را مبدأ تاریخی دیگری برای شرق عموماً و ایران خصوصاً قرار داد

زیرا ایران قدیم پس از ظهور اسلام بکلی از بین رفته و حالت رومیة غربی را پیدا کرده و ایرانیکه بعد بوجود آمده ایران تازه بوده که از هر حیث با ایران قدیم فرق داشته و از آن متمایز بوده - بنا بر این سزاوار است ظهور اسلام و استیلای اعراب را بر ایران و بطور و اضحتر انقراض سلسله عظیم الشان ساسانی را مبدأ شروع عصر دیگری در تاریخ ایران قرار دادولی نه از لحاظی که اروپائیان برای قرون وسطی خود قائلند بلکه از لحاظ دیگر بنا بر این خوب است در اوضاع ایران بعد از آن تاریخ دقت نمود حالت ایران را در قرون وسطی ملاحظه نمائیم

ضمناً نتیجه این فتح و استیلای اسلامی را که بدست اعراب تمام شده مشاهده نموده شاید بیک حقیقتی برسیم و منافع و مضار این واقعه تاریخی را برای ایران معین سازیم

شک و شبهه نیست که در اثر فتح اسلامی ایرانیان تا طلوع قرن دهم هجرت استقلال واقعی خود را از دست داده و در این مدت در ایران ملوک الطوائفی و سلطنتهای اجنبی حکمفرما بوده در تمام این مدت ایرانی توانسته ایران را تحت اداره یک دولت واحد ایرانی در آورد و کلیه حیثیات و افتخارات و امتیازات ادبی . علمی . ملی . اخلاقی . اجتماعی . و تاریخی خود را هم از دست داده و با وجود آنکه از ابتداء قرن دوم هجرت ایران شروع بنهضت کرده در احیای استقلال سیاسی و ادبی خود کوشیده و بلکه خلفاء اسلامی را هم واقعا دست نشانده خود ساخته و نفوذ ادبی و علمی خود را وسیع نموده و زبان و ادبیات ایرانی بعضی از ممالک همجوار را قرن ها تحت تسلط و استیلای خود گرفت باز مسئله فوق العاده جالب دقت و مطالعه است و خوبست دران بحث نموده تا اندازه ئیکه ممکن است منافع و مضار را با هم سنجیده از روی حکمیت تاریخی به بینیم فتح اسلامی که با دست اعراب وحشی جزیره العرب واقع شده بنفع ایران تمام شده است یا ضرر باید دانستکه این حکمیت فقط از روی کتب و مصادر

تاریخی از لحاظ دخول ایران در ساک ممالک و متصرفات اسلامی است و ابدا جنبه دینی در آن دخالت نخواهد داشت بنا بر این امید داریم که این مختصر نگارش ما را که فقط برای یک خدمت تاریخی و ادبی است حمل بر اغراض نکرده و اگر سهو یا غلطی بینند عفو و اغماض را که شیوه بزرگان است در باره مؤلف معمول داشته باقلم خود اصلاح فرمایند .

محمد علی خلیلی

(مقدمه)

تاریکی ظلم و جهل تمام عالم را فرا گرفته و هرج و مرج در هر نقطه جهان حکمفرما بود نه بوی انسانیت بمشام و نه صدای داد رسی بگوش می آمد برادر خون برادر خود را میریخت پدر پسر را میکشت قساوت بشر بحدی رسیده بود که دختران خود را زنده بخاک کرده و افتخار خود میدانستند ناگهان گریبان افق صفحه جنوب غربی آسیا تا بدامان چاک خورد و آفتاب سعادت بشر طلوع کرده و چیزی نگذشت که اشعه پلائی او سینه ابرهای سیاهیرا که حجاب غلیظی میان او و بشر بود در هم دریده انوار مقدسه و فروغهای هدایت خود را در سراسر عالم منتشر ساخت دیده گان باز شد و راه راست آشکار گردید . بساط عدل و داد گسترده شد اهر من قوی پنجه ظلم و ضلالت دست از گریبان بشر برداشت

این خورشید از آن سرزمینیکه جز خار مغیلان و ریک گداخته میوه و حاصلی نداشت یعنی حجاز و جزیره العرب ظاهر شد و بر جهان نور فشانید کرد سرزمینیکه جهل و نادانی او را از تمام عالم منقطع ساخته بود نه اسمی از آدمیت و نه رسمی از انسانیت در آن یافت میشد و اهالی آن چنان از عالم منقطع بودند که عالم جزیره العرب فرض میکردند کار عمده آنها شتربانی و افتخارشان غارت و چپاول و ریختن خون یکدیگر بود .

چقدر حیرت آور است که چنین سر زمین هزاران سال با این ذلت و جهل

زندگانی کرده در کمترین مدتی با يك استقامت و شجاعت حیرت آور نصف بلکه دو نلت عالم معروف انزمان رامسخر کنند یعنی در ده سال واندى شامات و سوریا و مصر را تصرف و ارکان دولت قهار روم شرقی را متزعزع و تاج کیانی را از تارك شاهنشاه ساسانی برابند و ان مملکت عظیم را با تمام افتخارات چندین هزار ساله برایگان ببرند و در ایوان مهابین مجلس ختم مرگ و انقراض دولت ساسانی را برپای دارند در چهارده قرن پیش شخصی از میان این قوم وحشی ظهور کرد و اول کلمه خود را که عبارت از وحدت معبود بود بر عالم القاء داشت. او قوم خود را به برادری و برابری و اتحاد و انسانیت دعوت مینمود ولی جهل و نادانی قوم مدت سیزده سال او را دچار هرگونه اذیت و آزار ساخت، انهمه فشار و سختی آن بزرگوار را هاز خواست خود باز نداشت و باهمان عزم و عقیده راسخی که داشت ان قوم را از آن ضلالت و گمراهی نجات داده براه راست هدایت کرد پس از بیست و چهار سال ان فروغ آسمانی این عالم را بدرود گفت درحالی که تمام جزیره العرب را در تحت يك لواء و يك ائین در آورده پراکنندگی انها را مبطل باجتماع و همه را بايك عقیده راسخ و عزم استواری یا در رکاب و مستعد برای فتح عالم ساخته بود - هنوز قرن اول هجرت بنصف نرسیده بود که دو مملکت باستانی متمدن عظیم الشان و قهار انصر مطیع و مسخر همان اقوام وحشی بیابان گرد گردید

اینک ما و فتح عرب و حکمیت در يك کار انجام یافته

انجمن ادبی اصفهان

درصیدگاه ناز تو کمتر نشانه ئیست

دراتش فراغ تو دوزخ زبانه ئیست

عنقای جان که مرغ بلند آشیانه ئیست

از گلشن وصال تو برگی بود بهشت